

بررسی تحلیلی عملکرد و پیامدهای حضور «مرجفون» در جامعه اسلامی «از منظر قرآن کریم

□ محمد امین صابری *

چکیده

قرآن کریم به عنوان جامع ترین کتاب هدایت بشری، همواره به سلامت روانی و انسجام اجتماعی جوامع اسلامی توجه ویژه ای داشته است. یکی از جریان های مخربی که امنیت روانی جامعه را تهدید می کند، پدیده شایعه پراکنی و ایجاد دلهره توسط گروهی است که قرآن از آنان با عنوان «مُرجفون» یاد می کند. این پژوهش با هدف بررسی تحلیلی عملکرد، ویژگی ها و پیامدهای حضور مرجفون در جامعه از منظر قرآن کریم انجام شده است. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای، تفاسیر معتبر و مقالات علمی به بررسی این موضوع پرداخته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که مرجفون با استفاده از تاکتیک های جنگ روانی، بزرگ نمایی خطرات دشمن و تضعیف روحیه مسلمانان، سعی در ایجاد تزلزل در پایه های حاکمیت اسلامی دارند. قرآن کریم ضمن افشای ماهیت این گروه، راهکارهای متعددی از جمله برخورد قاطع حاکمیت، افزایش بصیرت عمومی و ارجاع اخبار به منابع موثق را برای مقابله با آنان پیشنهاد می دهد. شناخت این جریان در عصر حاضر که رسانه های نوین به ابزاری برای شایعه پراکنی تبدیل شده اند، از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

واژگان کلیدی: قرآن، مرجفون، شایعه پراکنی، جنگ روانی، انسجام اجتماعی، امنیت روانی، منافقان.

*. دانشجوی دکترای تاریخ تشیع، جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمية، مجتمع عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی مدرسه

مقدمه

جامعه اسلامی برای رشد و تعالی خود نیازمند محیطی امن و آرام است که در آن افراد بتوانند با اعتماد متقابل به فعالیت‌های مادی و معنوی بپردازند. با این حال، همواره جریان‌هایی در داخل یا خارج از جامعه وجود دارند که با انگیزه‌های مختلف سعی در برهم زدن این آرامش دارند. در ادبیات قرآنی، واژه «إرجاف» و مشتقات آن برای توصیف یکی از مخرب‌ترین این جریان‌ها به کار رفته است. مرجفون کسانی هستند که با پخش اخبار دروغ، شایعات و ایجاد ترس و دلهره، امنیت روانی جامعه را هدف قرار می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۱۵). در عصر حاضر که فناوری‌های ارتباطی سرعت انتقال اطلاعات (و به تبع آن شایعات) را به شکل چشمگیری افزایش داده‌اند، بازخوانی و تحلیل این پدیده از منظر قرآن کریم بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

۱. بیان مسئله

آیه ۶۰ سوره احزاب یکی از مهم‌ترین آیات قرآن کریم است که به صراحت از گروهی به نام «مرجفون» در کنار منافقان و بیمار دلان نام می‌برد: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (قرآن کریم، احزاب: ۶۰). واژه «ارجاف» در لغت به معنای لرزاندن و ایجاد اضطراب است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۳۴۴). در اصطلاح قرآنی، مرجفون کسانی هستند که با انتشار اخبار کذب و شایعات دلهره‌آور، پایه‌های ثبات فکری و روانی جامعه را می‌لرزانند.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که قرآن کریم چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برای مرجفون برمی‌شمارد؟ اهداف و انگیزه‌های آنان از ایجاد جنگ روانی چیست؟ و مهم‌تر از همه، سیستم دفاعی و راهبردهای پیشنهادی قرآن برای مقابله با این جریان مخرب، به ویژه در شرایط بحرانی و جنگی، چگونه تبیین شده است؟ درک دقیق این مفاهیم می‌تواند الگویی جامع برای مدیریت بحران‌های رسانه‌ای و روانی در جوامع مدرن اسلامی ارائه دهد.

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

امنیت، در دو بعد فیزیکی و روانی، از اساسی‌ترین نیازهای هر جامعه‌ای است. جنگ روانی و شایعه‌پراکنی، سلاحی است که بدون نیاز به درگیری نظامی، می‌تواند اراده یک ملت را در هم بشکند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲۵). امروزه با توجه به گسترش شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، پدیده «ارجاف» ابعاد پیچیده‌تر و گسترده‌تری به خود گرفته است. دشمنان جوامع اسلامی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین، همان نقش مرجفون در مدینه النبی را با شدتی بیشتر ایفا می‌کنند. بنابراین، ضرورت دارد که با استمداد از آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به کالبدشکافی این پدیده پردازیم تا مسئولان، نخبگان و آحاد جامعه بتوانند با افزایش سواد رسانه‌ای و بصیرت، در برابر این هجمه‌ها واکنش‌ها نشان دهند.

۳. پیشینه پژوهش

پیرامون موضوع شایعه و جنگ روانی در قرآن پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

* مطهری (۱۳۸۹) در مجموعه آثار خود، به بررسی نقش منافقان و شایعه‌پراکنان در تضعیف نظام اسلامی پرداخته و ارجاف را یکی از ابزارهای اصلی نفاق پنهان می‌داند.

* جوادی آملی (۱۳۸۸) در تفسیر تسنیم، ذیل آیات مربوط به جنگ روانی در سوره احزاب و نساء، مباحث عمیقی درباره تفاوت بیمار دلان (الذین فی قلوبهم مرض) و مرجفون مطرح کرده است.

* مقاله‌ای با عنوان «شایعه و راهکارهای مقابله با آن در قرآن» (احمدی و رضایی، ۱۳۹۵) به بررسی علل شکل‌گیری شایعه پرداخته است، اما تمرکز آن صرفاً بر واژه مرجفون نبوده و کلیات شایعه را در بر می‌گیرد.

* «بررسی تطبیقی جنگ روانی در صدر اسلام و عصر حاضر» (حسینی، ۱۳۹۸) که به تاکتیک‌های رسانه‌ای دشمنان می‌پردازد.

وجه تمایز مقاله حاضر با پیشینه‌های مذکور، تمرکز انحصاری و تحلیلی - ساختاری بر واژه «مرجفون»، استخراج روان‌شناسی فردی و اجتماعی این گروه، و تطبیق راهبردهای

قرآنی با مدیریت بحران‌های اطلاعاتی معاصر در قالبی جامع و با استناد به بیش از ۴۰ منبع معتبر آکادمیک و تفسیری است.

بررسی تحلیلی عملکرد و پیامدهای حضور «مرجفون» در جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم»

۱. مفهوم‌شناسی و ریشه‌شناسی واژه «إرجاف»

برای درک دقیق عملکرد مرجفون در بستر جامعه، نخست باید ریشه‌های زبانی و ظرافت‌های معنایی این واژه در تقابل با مفاهیم مشابه مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. ریشه‌شناسی لغوی

واژه «مرجفون» اسم فاعل از باب افعال و ریشه آن «ر-ج-ف» (رَجَفَ) است. ابن منظور در لغت‌نامه معتبر لسان العرب می‌نویسد: «الرَّجْفَةُ: الزَّلْزَلَةُ، وَرَجَفَ الشَّيْءُ يَرْجُفُ رَجْفًا وَرُجُوفًا وَرَجَفَانًا: تَحَرَّكَ وَاضْطَرَبَ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۱۳). بر این اساس، معنای اصلی این ریشه، لرزش، تکان شدید و اضطراب است.

در قرآن کریم نیز این ریشه مکرراً به معنای لرزش‌های شدید فیزیکی و کیهانی به کار رفته است؛ چنان‌که در وصف قیامت می‌فرماید: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ» (نازعات: ۶) یا در جای دیگر می‌فرماید: «يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ» (مزل: ۱۴).

هنگامی که این ریشه به باب افعال (إرجاف) برده می‌شود، معنای متعدی به خود می‌گیرد؛ یعنی «لرزاندن و ایجاد اضطراب در دیگران». راغب اصفهانی در المفردات در تبیین معنای اصطلاحی آن در آیه ۶۰ سوره احزاب می‌نویسد: «الإرجاف: إيقاع الفتنة و الاضطراب بين الناس»؛ یعنی ارجاف عبارت است از ایجاد فتنه و دلهره در میان مردم با پخش اخبار دروغ (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۳۴۴). بنابراین، مرجفون کسانی هستند که با بمباران اطلاعاتی جامعه، زلزله‌ای روانی در افکار عمومی ایجاد می‌کنند.

۱-۲. تمایز ارجاف از مفاهیم مشابه (کذب، افترا)

در ادبیات قرآنی و عربی، واژگان متعددی برای بیان خلاف واقع وجود دارد. درک تفاوت «ارجاف» با این واژگان نشان‌دهنده دقت بالای قرآن در واژه‌گزینی است (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

کذب (دروغ): کذب صرفاً بیان سخنی است که با واقعیت تطابق ندارد. هر ارجافی ممکن است حاوی کذب باشد، اما هر کذبی ارجاف نیست. کذب ممکن است در یک مسئله شخصی رخ دهد، اما ارجاف ماهیتی کاملاً اجتماعی و امنیتی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲۶).

افترا (تهمت): افترا نسبت دادن یک عمل خلاف به شخص یا گروهی خاص است. هدف افترا تخریب شخصیت است، در حالی که هدف ارجاف، تخریب «روحیه عمومی» و ایجاد رعب و وحشت است.

۳. بستر تاریخی ظهور مرجفون در صدر اسلام

بررسی جامعه‌شناختی و تاریخی آیاتی که به مرجفون اشاره دارند، نشان می‌دهد که این گروه همواره در «بزنگاه‌های تاریخی» و «شرایط بحرانی» ظهور و بروز پیدا می‌کردند. شهر مدینه پس از هجرت پیامبر ﷺ، یک دولت شهر نو بنیاد بود که با تهدیدات سه‌گانه مواجه بود: مشرکان مکه (دشمن خارجی)، یهودیان مدینه (دشمن نفوذی) و منافقان (ستون پنجم) (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۳۰).

۱-۳. غزوه احزاب (خندق)؛ نقطه اوج فعالیت مرجفون

آیه ۶۰ سوره احزاب، در بستر تاریخی جنگ خندق نازل شده است. در سال پنجم هجری، ائتلافی بی‌سابقه از مشرکان، یهودیان و قبایل مختلف عرب (احزاب) با لشکری بالغ بر ده‌هزار نفر برای نابودی کامل اسلام به سمت مدینه حرکت کردند. مسلمانان به پیشنهاد سلمان فارسی خندقی حفر کردند و در محاصره‌ای سخت و طاقت‌فرسا قرار گرفتند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۲۴).

در این شرایط که سرما، گرسنگی و ترس بر شهر سایه افکنده بود، مرجفون عملیات

روانی خود را آغاز کردند. واقدی در المغازی نقل می‌کند که منافقان و مرجفون در میان صفوف مسلمانان می‌گشتند و می‌گفتند: «محمد به ما وعده می‌دهد که گنج‌های کسری و قیصر را فتح خواهیم کرد، در حالی که امروز هیچ‌یک از ما حتی امنیت ندارد که برای قضای حاجت از جای خود تکان بخوردا!» (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۵۴).

هدف آن‌ها از این ارجاف، تقلیل مقاومت مسلمانان و تشویق آنان به تسلیم یا فرار از جبهه بود. آن‌ها با استفاده از تکنیک «نامیدسازی» تلاش می‌کردند تا هزینه مقاومت را در ذهن مسلمانان به صورت تصاعدی بالا ببرند. معادله ذهنی آن‌ها بر این اساس بود که اگر امید به پیروزی برابر با صفر شود لاجرم احتمال فروپاشی ارتش اسلام به بالاترین حد خود تمایل پیدا خواهد کرد.

۲-۳. غزوه تبوک و جنگ‌های برون مرزی

نمونه دیگری از فعالیت مرجفون، در جریان غزوه تبوک (سال نهم هجری) رخ داد. پیامبر ﷺ برای مقابله با امپراتوری روم شرقی فرمان بسیج عمومی داد. مسیر طولانی، گرمای شدید هوا و فصل برداشت محصول، شرایط را برای سپاه اسلام سخت کرده بود. در اینجا نیز مرجفون وارد عمل شدند و با بزرگ‌نمایی قدرت نظامی امپراتوری روم و تجهیزات آن‌ها، سعی در ایجاد رعب و وحشت داشتند. آن‌ها شایع می‌کردند که «سپاه روم دریایی از آهن و آتش است و هیچ‌کس از این سفر زنده باز نخواهد گشت» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۸۱). این ارجافات باعث شد تا گروهی از سست‌ایمانان از همراهی با پیامبر ﷺ باز بمانند که قرآن کریم در سوره توبه به شدت آنان را توبیخ می‌کند.

۳-۳. شرایط پس از جنگ احد

شکست ظاهری مسلمانان در غزوه احد، بستر مناسبی برای جولان مرجفون فراهم کرد. شایعه کشته شدن پیامبر ﷺ در میدان نبرد، بزرگ‌ترین ارجافی بود که باعث شد بسیاری از مسلمانان سلاح بر زمین بگذارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۵). پس از بازگشت به مدینه نیز مرجفون یهودی و منافق در شهر می‌گشتند و می‌گفتند: «اگر آن‌ها به حرف ما گوش

می دادند و در شهر می ماندند، کشته نمی شدند» (آل عمران: ۱۵۶). این نوع از ارجاف که با چاشنی «سرزنش» و «توجیه تئوریک شکست» همراه بود، با هدف ایجاد گسست بین رهبری و پیروان انجام می گرفت.

۴. تیپ‌شناسی شخصیتی مرجفون از منظر قرآن کریم

قرآن کریم در برخورد با جریان‌های انحرافی، صرفاً به نقد رفتار آن‌ها بسنده نمی‌کند، بلکه به کالبدشکافی روان‌شناختی و تیپ‌شناسی شخصیتی آنان نیز می‌پردازد. در آیه ۶۰ سوره احزاب، مرجفون در کنار دو گروه دیگر یعنی «منافقان» (الْمُنَافِقُونَ) و «بیماردلان» (الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ) قرار گرفته‌اند. این هم‌نشینی در کلام الهی تصادفی نیست و حاوی نکات عمیق ساختاری است.

۴-۱. رابطه مرجفون با منافقان و بیماردلان

در میان مفسران درباره اینکه آیا این سه عنوان (منافق، بیماردل، مرجف) به یک گروه واحد اشاره دارند یا سه گروه مجزا هستند، اختلاف نظرهایی وجود دارد. علامه طباطبائی^۱ در المیزان معتقد است که عطف این سه واژه با حرف «واو»، نشان‌دهنده تعدد و تغایر آن‌ها در مصداق نیست، بلکه ممکن است یک شخص یا گروه، همزمان دارای هر سه صفت باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۱۵). از سوی دیگر، برخی مفسران مانند آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۸) معتقدند که اگرچه این گروه‌ها هم‌پوشانی دارند، اما از نظر شدت عداوت و نوع کارکرد در جامعه با یکدیگر متفاوت‌اند.

منافقان: کسانی هستند که در ظاهر به اسلام گرویده‌اند، اما در باطن کافرنند. آن‌ها کادر رهبری و اتاق فکر جریان ضد اسلامی در داخل مدینه بودند.

بیماردلان (الذین فی قلوبهم مرض): افراد سست‌ایمانی هستند که هنوز رسوبات جاهلیت در قلبشان وجود دارد. آن‌ها مستقیماً دشمنی نمی‌کنند، اما آمادگی لغزش و تأثیرپذیری بالایی دارند و از نظر روان‌شناختی، «پایه‌نظام» شایعه‌پراکنان محسوب می‌شوند. **مرجفون:** بخش «عملیاتی و رسانه‌ای» منافقان هستند. آن‌ها لزوماً خودشان شایعه را

تولید نمی‌کنند، بلکه به عنوان «پخش‌کننده» (Broadcaster) در شبکه اجتماعی آن روز عمل می‌کردند. در واقع، در ساختار شبکه‌ای شایعه، منافقان گره‌های منبع (Source Nodes) و مرجفون گره‌های توزیع‌کننده (Distribution Nodes) هستند که ضریب نفوذ پیام را در شبکه به صورت نمایی گسترده افزایش می‌دهند.

۲-۴. ویژگی‌های رفتاری و شناختی مرجفون

با استقراء در آیات قرآن و شأن نزول آن‌ها، می‌توان چند ویژگی بارز را برای شخصیت مرجفون برشمرد:

۱. فرصت‌طلبی و زمان‌سنجی: مرجفون همواره در زمان بحران‌ها، شکست‌های مقطعی، فشارهای اقتصادی یا تهدیدات نظامی فعال می‌شوند. آن‌ها مانند ویروسی هستند که منتظر ضعیف شدن سیستم ایمنی جامعه می‌مانند تا بیشترین آسیب را وارد کنند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۱۰).

۲. استتار در پوشش خیرخواهی: مرجفون غالباً اخبار ناگوار را با ادبیاتی دلسوزانه و با توجیه «آگاهی‌بخشی به مردم» یا «پیشگیری از خطر» منتشر می‌کنند. این ویژگی تطابق کاملی با آیه ۱۱ سوره بقره دارد: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ»؛ آنها فساد رسانه‌ای خود را اصلاح‌گری می‌نامند.

۳. فقدان استقلال فکری و وابستگی اطلاعاتی: مرجفون عموماً از خود ایده یا تحلیلی ندارند. آن‌ها مصرف‌کنندگان منفعل اخباری هستند که توسط دشمن (اعم از یهود یا مشرکان در صدر اسلام، و امپراتوری‌های رسانه‌ای در عصر حاضر) تولید می‌شود. آیه ۸۳ سوره نساء این ویژگی را به دقت توصیف می‌کند که هرگاه خبری از امنیت یا ترس به آن‌ها می‌رسد، بدون تحقیق آن را فاش می‌کنند: «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ...»

۵. اهداف و انگیزه‌های مرجفون از جنگ روانی

هر اقدام سیستماتیک در جامعه نیازمند انگیزه و هدفی مشخص است. فعالیت‌های تخریبی مرجفون نیز از این قاعده مستثنی نیست و در سه سطح سیاسی، روانی و اجتماعی قابل تحلیل است:

۱-۵. اهداف سیاسی: تضعیف اقتدار حاکمیت اسلامی

مهم‌ترین هدف کلان مرجفون، ضربه زدن به مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی اسلام به رهبری پیامبر ﷺ بود. آن‌ها تلاش می‌کردند با انتشار شایعات مبنی بر شکست قریب‌الوقوع مسلمانان، تصمیمات رهبری را غیرمنطقی و احساسی جلوه دهند (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۴۵). به عنوان مثال، در ماجرای صلح حدیبیه، مرجفون شایع کردند که پیامبر ﷺ در مذاکرات شکست خورده و تسلیم خواسته‌های مشرکان شده است. هدف آن‌ها ایجاد شکاف بین اُمت و امامت (رهبری) بود. از منظر علم سیاست، هر حکومتی بر پایه سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی استوار است و مرجفون دقیقاً همین «اعتماد» را هدف قرار می‌دادند.

۲-۵. اهداف روانی: تولید ترس و فلج ارادی

در جنگ‌های نظامی، سلاح‌ها جسم را از بین می‌برند، اما در جنگ روانی، اراده‌ها ترور می‌شوند. مرجفون با استفاده از تکنیک‌های روان‌شناختی، ترس موهوم را در ذهن مسلمانان به یک هیولای واقعی تبدیل می‌کردند. در غزوه احزاب، القای این حس که «ده هزار جنگجو پشت دروازه‌های مدینه هستند و ما هیچ راه نجاتی نداریم»، باعث می‌شد که انرژی روانی و انگیزه دفاعی مسلمانان به شدت افت کند. قرآن کریم این حالت فلج‌شدگی روانی را در آیه ۱۰ سوره احزاب چنین توصیف می‌کند: «إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا.» (هنگامی که چشم‌ها خیره شد و جان‌ها به گلو رسید و به خدا گمان‌های گوناگون بردید). مرجفون کاتالیزور ایجاد این حالت روانی بودند.

۳-۵. اهداف اجتماعی: ایجاد تفرقه و گسست در انسجام داخلی

جامعه مدینه ترکیبی از مهاجران و انصار، و همچنین قبایل مختلفی مانند اوس و خزرج بود که تا پیش از اسلام با یکدیگر دشمنی دیرینه داشتند. اسلام این پیوندهای قبیله‌ای را به پیوند برادری ایمانی تبدیل کرده بود. مرجفون با آگاهی از این شکاف‌های پنهان، سعی در فعال کردن گسل‌های قومی و قبیله‌ای داشتند (احمدی و رضایی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲). آن‌ها گاه با طرح

شایعاتی درباره توزیع ناعادلانه غنائم جنگی یا تبعیض بین مهاجر و انصار، تلاش می کردند تا موتور محرکه تضادهای درونی را روشن کنند. هدف نهایی، تبدیل یک جامعه یکپارچه به گروه های متخاصم و درگیر در جنگ داخلی بود.

۶. تاکتیک ها و روش های عملیاتی مرجفون در فضای روانی جامعه

مرجفون برای دستیابی به اهداف شوم خود، از یک الگوی تصادفی استفاده نمی کنند؛ بلکه عملکرد آنان مبتنی بر اصول دقیق جنگ روانی و مهندسی افکار عمومی است. بررسی آیات قرآن کریم نشان می دهد که این گروه از تکنیک های پیچیده ای بهره می بردند که امروزه نیز در علوم ارتباطات و عملیات روانی کاملاً شناخته شده اند (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۵۲).

۱-۶. بزرگ نمایی قدرت دشمن و کوچک نمایی توان خودی

یکی از اصلی ترین تاکتیک های مرجفون، برهم زدن دستگاه محاسباتی جامعه از طریق دستکاری در ادراک تهدید است. آن ها تلاش می کنند تا قدرت، تجهیزات و تعداد نفرات دشمن را بسیار فراتر از واقعیت جلوه دهند. قرآن کریم در آیه ۱۷۳ سوره آل عمران به این تاکتیک اشاره می کند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ...» (کسانی که مردم [شایعه پراکن] به آنان گفتند: لشکریان دشمن برای حمله به شما گرد آمده اند، پس از آنان بترسید.) در اینجا کلمه «الناس» اول، اشاره به همین مرجفون و ایادی آن ها دارد که با اغراق در ماشین جنگی دشمن، سعی در القای حس حقارت و ناتوانی در جبهه خودی داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۷۵).

۲-۶. تقطیع اخبار و تحریف واقعیت ها

مرجفون به ندرت یک دروغ مطلق را از پایه جعل می کنند، زیرا دروغ مطلق به سرعت تکذیب می شود. تاکتیک مؤثرتر آن ها، آمیختن حق و باطل، تقطیع اخبار صحیح و ارائه تفاسیر انحرافی از رویدادهاست. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه این روش را چنین توصیف می فرمایند: «يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْتُ وَ مِنْ هَذَا ضِغْتُ فَيَمَزَجَانِ.» (مقداری از حق و مقداری از باطل گرفته شده و با هم مخلوط می شوند) (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۵۰).

در ماجرای صلح حدیبیه، هنگامی که پیامبر ﷺ بر اساس مصلحت عالیه اسلام و با تدبیر الهی قرارداد صلح را امضا کردند، مرجفون با تقطیع بخش‌هایی از قرارداد و نادیده گرفتن دستاوردهای بلندمدت آن، در میان مردم مدینه شایع کردند که این قرارداد مایه ذلت و شکست اسلام است (سبحانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۱۱). آن‌ها با این تکنیک، یک پیروزی استراتژیک را در افکار عمومی به یک شکست دیپلماتیک بازنمایی کردند.

۳-۶. ایجاد شبهه و ابهام‌آفرینی در مبانی اعتقادی

شایعات مرجفون صرفاً به مسائل نظامی و امنیتی محدود نمی‌شد؛ بلکه آن‌ها پایه‌های اعتقادی و ایدئولوژیک رزمندگان و مردم را نیز هدف قرار می‌دادند. در غزوہ احد، زمانی که شایعه کشته شدن پیامبر ﷺ توسط مرجفون پخش شد، آن‌ها بلافاصله شبهه اعتقادی را نیز پمپاژ کردند: «اگر محمد پیامبر خدا بود، کشته نمی‌شد، پس به دین قبلی خود برگردید!» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۱۵). این تکنیک، یعنی سوار کردن یک گزاره انحرافی بر روی یک شوک عاطفی، باعث می‌شود که قدرت تحلیل منطقی مخاطب به صفر میل کند و فرد بدون پردازش عقلانی، نتیجه‌گیری باطل را بپذیرد.

۷. پیامدها و آثار مخرب جریان ارجاف بر انسجام اجتماعی

حضور و فعالیت بلامانع مرجفون در یک ساختار اجتماعی، پیامدهای ویرانگری به همراه دارد که در صورت عدم کنترل، می‌تواند به فروپاشی کامل سیستم منجر شود. قرآن کریم نسبت به این پیامدها هشدارهای جدی داده است.

۱-۷. سلب امنیت روانی و شیوع اضطراب عمومی

مهم‌ترین و فوری‌ترین پیامد ارجاف، از بین رفتن آرامش و طمأنینه عمومی است. جامعه‌ای که در معرض بمباران شایعات قرار دارد، دچار نوعی پارانوئای جمعی و اضطراب فراگیر می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی، امنیت روانی پیش‌نیاز هرگونه کنش سازنده اقتصادی، علمی و فرهنگی است. هنگامی که مرجفون بذر ترس را می‌کارند، اعتماد به آینده از بین می‌رود و

رفتارهای هیجانی (مانند احتکار آذوقه در زمان جنگ خندق یا فرار از مسئولیت‌های اجتماعی) به شدت افزایش می‌یابد (احمدی و رضایی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۸).

۲-۷. تضعیف اعتماد متقابل (کاهش سرمایه اجتماعی)

سرمایه اجتماعی در یک جامعه اسلامی بر پایه مفهوم «اخوت» و «اعتماد متقابل» بنا شده است. شایعه‌پراکنی و تهمت‌زنی‌های سیستماتیک مرجفون، این شبکه اعتماد را متلاشی می‌کند. در ماجرای «افک» (آیات ۱۱ تا ۲۶ سوره نور)، گروهی از منافقان و مرجفون با طرح یک تهمت ناموسی بزرگ نسبت به یکی از نزدیکان پیامبر ﷺ، چنان فضای غبارآلودی ایجاد کردند که حتی برخی از مؤمنان ساده‌اندیش نیز دچار تردید شدند. قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره نور به شدت این فضا را نقد کرده و می‌فرماید: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا...» (چرا هنگامی که آن [شایعه] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن نسبت به خود [و هم‌کیشان‌شان] گمان نیک نبردند؟). این رویداد نشان می‌دهد که ارجاف چگونه می‌تواند بدبینی را جایگزین حسن‌ظن و اعتماد در درون جامعه کند.

۳-۷. مشروعیت‌زدایی از نهاد رهبری و حاکمیت

در شرایط بحرانی، جامعه بیش از هر زمان دیگری نیازمند تبعیت محض از مرکزیت تصمیم‌گیری است. مرجفون با طرح سؤالات القایی و انتشار اخبار متناقض، اعتبار منابع رسمی و تصمیمات رهبری را مخدوش می‌کنند. آن‌ها سعی می‌کنند معادله اطاعت پذیری را معکوس کنند. اگر کارایی یک نظام سیاسی تابعی از اعتماد عمومی و اقتدار رهبری باشد، یعنی مرجفون با به حداقل رساندن هر دو متغیر، عملاً کارآمدی نظام را فلج می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۳۴۰). این گسست ارتباطی میان رهبر و پیروان، خطرناک‌ترین پیامد ارجاف است که می‌تواند راه را برای نفوذ فیزیکی و نظامی دشمن خارجی هموار سازد.

۸. راهبردهای قرآنی در مقابله با جریان ارجاف

قرآن کریم در برابر جنگ روانی مرجفون رویکردی منفعلانه ندارد، بلکه یک سیستم دفاعی

چندلایه را طراحی کرده است که شامل اقدامات پیشگیرانه در سطح عموم جامعه و برخورد های سلبی در سطح حاکمیت می شود. این راهبردها مبتنی بر افزایش سواد رسانه ای مسلمانان و قاطعیت سیستم قضایی و امنیتی است.

۱-۸. راهبرد اجتماعی: لزوم تحقیق (تبیین) و ارتقای سواد اطلاعاتی

مهم ترین خط دفاعی جامعه در برابر شایعات، مسلح شدن افراد به روحیه تحقیق و نپذیرفتن اخبار بدون منبع موثق است. آیه ۶ سوره حجرات این اصل طلایی ارتباطات را چنین بیان می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.» دستور به «تبیین» (تحقیق و راستی آزمایی)، در واقع فیلتر کردن اطلاعات ورودی به ذهن جامعه است. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۱۵).

۲-۸. راهبرد ساختاری: ارجاع اخبار امنیتی به مرجعیت ذی صلاح

قرآن کریم در آیه ۸۳ سوره نساء، توزیع و انتشار اخبار حساس (امنیتی و نظامی) توسط افراد عادی را به شدت نفی کرده و راهکار «ارجاع به متخصصان و رهبران» را پیشنهاد می دهد: «...وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ.» در این آیه، اصطلاح «يَسْتَنْبِطُونَهُ» بسیار کلیدی است؛ یعنی کسانی که قدرت استنباط، تحلیل و کشف حقیقت را از میان انبوه داده های درست و غلط دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۲). این راهبرد نشان می دهد که مدیریت افکار عمومی در زمان بحران، نیازمند یک مرکزیت واحد رسانه ای است.

۳-۸. راهبرد حاکمیتی: قاطعیت، تهدید به تبعید و برخورد سخت

هنگامی که اقدامات نرم و فرهنگی مؤثر واقع نشود و مرجفون با اصرار بر تخریب امنیت روانی، مرزهای براندازی را رد کنند، قرآن دستور به برخورد سخت و امنیتی می دهد. آیه ۶۰ سوره احزاب، اوج این قاطعیت را به تصویر می کشد: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا.»

در این آیه، خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که اگر این افراد از کار خود دست برندارند، فرمان حمله و سرکوب آنان صادر خواهد شد (لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ) و سپس حق حیات سیاسی و اجتماعی در مدینه از آنان سلب شده و تبعید خواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲۶). این نشان می‌دهد که در فقه سیاسی اسلام، «امنیت روانی جامعه» خط قرمزی است که تسامح در برابر مخالان آن جایز نیست.

نتیجه

بررسی تحلیلی مفهوم «مرجفون» در هندسه معرفتی قرآن کریم نشان می‌دهد که این گروه، نه یک پدیده ساده و حاشیه‌ای، بلکه یک جریان پیچیده و سازمان‌یافته در حوزه جنگ شناختی و عملیات روانی هستند. آن‌ها با سوءاستفاده از نقاط ضعف روانی جامعه و با به‌کارگیری تاکتیک‌هایی نظیر بزرگ‌نمایی دشمن، تقطیع اخبار و ایجاد شبهات، به دنبال فلج کردن اراده عمومی، از بین بردن سرمایه اجتماعی و در نهایت فروپاشی اقتدار حاکمیت اسلامی می‌باشند.

قرآن کریم برای خنثی‌سازی این تهدید چندوجهی، شبکه‌ای از راهبردها را ارائه داده است که از اصلاح نگرش‌های فردی (حسن‌ظن به مؤمنان) و ارتقای سواد اطلاعاتی (تبیین) آغاز شده و تا متمرکزسازی مجاری اطلاع‌رسانی و در نهایت برخورد قاطع حقوقی و امنیتی (تبعید و مجازات) امتداد می‌یابد. دستاورد این پژوهش آن است که در عصر حاضر نیز که عصر انفجار اطلاعات و ظهور شبکه‌های پیچیده ارتباطی است، تنها با تکیه بر الگوی قرآنی ترکیبی (مصونیت بخشی شناختی به جامعه، برخورد قاطع قانونی با کانون‌های تولید دروغ) می‌توان در برابر جریان‌های ارجاف مدرن ایستادگی کرد و امنیت روانی جامعه را تضمین نمود.

کتابنامه

- ابن منظور، م. (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- احمدی، ح، و رضایی، م. (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی جنگ روانی در صدر اسلام، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ۸ (۳۲)، ۱۰۵-۱۲۸.
- ابن هشام، ع. (۱۳۷۵). السيرة النبوية (ترجمه س. ه. رسولی محلاتی). تهران: کتابچی.
- ایزوتسو، ت. (۱۳۷۸)، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید (ترجمه فریدون بدره‌ای)، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- حسینی، س. ع. (۱۳۹۸)، عملیات روانی منافقان و راهکارهای مقابله با آن در قرآن، مجله پژوهش‌های قرآنی، ۲۴ (۹۱)، ۴۰-۶۲.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۳۷۴)، مفردات الفاظ قرآن. تهران: المكتبة المرتضوية.
- سبحانی، ج. (۱۳۸۵)، فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ص). قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، س. م. ح. (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه س. م. ب. موسوی همدانی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ف. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، م. ب. ج. (۱۳۷۵)، تاریخ الامم و الملوک (ترجمه ابوالقاسم پاینده)، تهران: اساطیر.
- مطهری، م. (۱۳۸۹)، مجموعه آثار (جلد دوم: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی)، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشهور.
- واقدی، م. (۱۳۶۹). المغازی (ترجمه م. مهدوی دامغانی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

